

## تصاویر خیالی در ادبیات غنایی

بیان فروغ کرمانشاهی<sup>۱</sup>

دکتر محمدرضا قاری<sup>۲\*</sup>

دکتر مجید عزیزی<sup>۳</sup>

### چکیده

تصویرپردازی یکی از عناصر و مؤلفه‌های برجسته در حوزه زیبایی‌شناسی آثار ادبی است. هدف پژوهش بحث و بررسی تصاویر خیالی در ادبیات غنایی است که بر این اساس سه منظومه (ویس و رامین، خسرو و شیرین، گل و نرروز) مورد مطالعه قرار گرفت و عناصر خیال استخراج شد؛ سپس در چهار عنصر تصویری دسته‌بندی و مورد مقایسه قرار گرفت. این چهار عنصر عبارتند از: عنصر انتزاعی، عنصر بزمی، عنصر طبیعت و عنصر نجوم. کاوش در خیال هر شاعر به مخاطب کمک می‌کند که نگاه او به پیرامونش را بهتر درک کند و بتواند با شعر او ارتباط بگیرد. یکی از موضوعات قابل توجه در ادبیات غنایی، موضوع عشق است که در هر دوره‌ای شاعر سعی می‌کند از این موضوع متناسب با کلام خود در شعرش به تصویرگری بپردازد و رابطه میان عاشق و معشوق و وصال و فراق آنها را با توجه به شرایط زندگی هر کدام نشان دهد. در این مقاله هم، هر کدام از شاعران در زمینه تصویرپردازی در هر سه منظومه بالاترین میزان را به عنصر طبیعت اختصاص داده‌است که در ویس و رامین بیشتر از انواع تشبیه، در خسرو و شیرین استعاره مصرحه و در گل و نرروز هر دو عنصر خیال را داشتیم. همچنین هر سه شاعر در زمینه عناصر انتزاعی، کمترین استفاده را داشته‌اند که به صورت استعاره مکنیه بود. در میزان استفاده از عناصر انتزاعی سعی سه شاعر در حسی کردن امور ذهنی و جان بخشی به آنها بوده‌است. همچنین ویس و رامین به‌عنوان اولین منظومه عاشقانه الگویی برای منظومه‌های دیگر بوده- است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات غنایی، تصویرپردازی، ویس و رامین، خسرو و شیرین، گل و نرروز.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

Email: b\_forghkermanshahi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mr-ghari@iau-arak.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

Email: azizi-m@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

## مقدمه

ادبیات و دنیای شاعرانه شاعران پر از تصاویر خیالی و رنگین است که با خواندن اثر هر شاعر می‌توان به آن دست‌یافت. نگاه متفاوت یک شاعر به پیرامون خود، دنیای شعری او را تشکیل می‌دهد. در ادبیات و شعر هر موضوعی قابلیت شعر سرودن را برای شاعر فراهم می‌کند و شاعر سعی می‌کند هنر خود را در موضوعات مختلف نشان دهد.

عشق و ادبیات عاشقانه همیشه جذابیت بیشتری به شعر داده و طرفداران خاص خود را دارد. البته عشق در ادبیات ما انواع گوناگونی دارد؛ اما در این مجال منظور ما از عشق همان نگاه بی‌قیدوبند و از سر دل دو انسان (عشق زمینی) به یکدیگر است.

در ادبیات فارسی منظومه‌های عاشقانه بسیاری سروده شده‌اند؛ اما در این مقاله تصمیم گرفته شده‌است که سه منظومه غنایی مورد بررسی قرار گیرد.

ویس و رامین اولین منظومه عاشقانه‌ای است که در قرن پنجم توسط فخرالدین اسعد گرگانی سروده شد و موضوع آن عشق میان ویس دختر ملکه شهر و رامین برادر شاه مؤبد است. خسرو و شیرین دومین منظومه‌ای است که در این مقاله انتخاب شده‌است. این منظومه سروده حکیم نظامی شاعر پرآوازه قرن ششم است که آن منظومه حکایت دلدادگی خسرو با شیرین - شاهزاده ارمنی - است.

گل و نوروز سومین اثر انتخابی در میان منظومه‌های عاشقانه است که توسط خواجه‌ی کرمانی سروده شده‌است و حکایت شاهزاده نوروز با گل - شاهزاده رومی - را بیان می‌کند.

علت انتخاب این سه منظومه در این مقاله این بود که باتوجه به این که این سه داستان از نظر محتوا و مضمون شباهت‌هایی به هم دارند ما در مقاله قصد داریم متوجه شویم که آیا میزان عناصر تصویری در منظومه‌های موردبحث در به کار بردن عناصر خیال هم یکسان است؟ به‌صرف اینکه این منظومه یکی پس از دیگری (منظور به‌عنوان منظومه عاشقانه هست نه اینکه در یک دوره نوشته شده) نوشته شده آیا در زمینه عناصر تصویری هم یکسان عمل کرده‌اند؟ برای این کار با استفاده از دو عنصر خیال یعنی تشبیه و استعاره ابیات را از سه منظومه بیرون کشیدیم و

مشخص کردیم که هر کدام از ابیات دارای استعاره یا تشبیه هستند. بعد از انجام این کار شروع به دسته‌بندی اشعار در چهار عنصر کلی کردیم و شعرها را با آن عناصر آوردیم؛ سپس مشخص نمودیم که این سه منظومه که از نظر محتوا و مضمون با اینکه شباهت دارند از نظر تصویر هم تا حدودی به هم نظر کرده‌اند؛ البته در گل و نوروز این اتفاق بیشتر است.

### ادب غنایی

منظور از ادب غنایی اشعاری است که در آن شاعر احساسات شخصی خود را با زبانی آهنگین بیان می‌کند. در یونان باستان اشعار کوتاهی وجود داشت که همراه با سازی به نام «لیر» خوانده می‌شد. از این رو به اشعار غنایی، «لیریک» می‌گویند. شاید با توجه به مشخصات به‌دست‌آمده از آن اشعار ابتدایی بتوان آنها را گونه‌ای ترانه خواند. (ر.ک: پارساپور، ۱۳۸۳: ۳۸) ادبیات غنایی در ادبیات ما بیشتر به شعر عاشقانه تعبیر می‌شود و بیشترین گمان بر این است که محتوای اکثر اشعار غنایی در مورد عشق است؛ درحالی‌که: در شعر فارسی، ادب غنایی به‌صورت داستان، مرثیه، مناجات، بث الشکوی و گلایه و تغزل در قالب غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و حتی قصیده مطرح می‌شود.

### تصویر

کوشش ذهنی شاعر برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت را «خیال» یا «تصویر» می‌نامند. تصویر یکی از پرکاربردترین اصطلاحات است که از دیرباز مورد توجه بوده‌است و افراد اهمیت زیادی برای آن قائل هستند. «بحث از تصویر، مختص به قلمرو ادبیات نیست؛ بلکه در روان‌شناسی ادراک و شاخه‌های گوناگون هنر از جمله سینما، نقاشی، پیکره‌سازی، نیز درباره این مفهوم بحث است.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۷) «مراد از تصویر، چیزی است که اروپاییان به آن ایماژ و گذشتگان ما به آن تشبیه، استعاره و مجاز گفته‌اند.» (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۲۵) به‌طورکلی تصویر هنگامی رخ می‌دهد که: «حادثه‌ای در منطق عقلی و عمومی کلام به وقوع پیوندد و جایش را به‌نوعی مجاز بدهد.» (احمد سلطانی، ۱۳۷۰: ۸)

تصویرهای شعری بسته به عمق خیال و عاطفه شاعران، با یکدیگر تفاوت دارند. هر چه شاعری در اثر خود از خیال، عاطفه و اغراق‌های شاعرانه بیشتری استفاده کند، مسلماً تصویر ارائه شده در سروده‌های او شگفت‌انگیزتر و در نتیجه تأثیر آن بر خواننده عمیق‌تر و شعر وی موفق‌تر است. به همین دلیل به گفته بعضی از منتقدان «به جز تخیل بشری واقعیتی در ادبیات وجود ندارد.» (فرای، ۱۳۶۳: ۶۰) «خیال شاعرانه، با یاری گرفتن از عنصر تصویر، بسیاری از امور ذهنی را دیداری می‌کند و تصورات خود را از این راه به تماشا می‌گذارد.» (حسن لی، ۱۳۸۳: ۲۸۲)

تصویر دارای مفاهیم پیچیده ایست و نمی‌توان یک تعریف درست از آن ارائه داد؛ زیرا در ادبیات می‌توان تصویر را مجموعه‌ای از ساخته‌های ذهنی شاعر دانست که در قالب‌های مختلف ادبی بیان می‌شود و تصاویر متعدد را به همراه صنایع ادبی می‌سازد.

### مقایسه تصویرهای خیالی در سه منظومه

به تصویر کشیدن ادبیات عاشقانه در منظومه‌ها نیازمند تأمل شاعر در برخی از تصاویر است و برای هر چه زیباتر شدن تصاویر خیالی، شاعر سعی می‌کند به اطراف خود توجه ویژه کند و تصاویر خاصی را برگزیند. او برای اینکار از عناصر انتزاعی گرفته تا عناصر طبیعت و عناصر دیگر در شعر خود می‌آورد تا بتواند خیال نازک خود را به چشم مخاطب به مانند تابلوی نقاشی به تصویر بکشد. از طرفی مقایسه تصاویر شعری، از مباحث اساسی در مطالعات ادبی است و سبک و ارزش هنری اثر را روشن می‌سازد و میزان قدرت و نوآوری و تأثیرپذیری از میراث گذشتگان را مشخص می‌کند. چنانچه بپذیریم که شعر، گره خوردگی اندیشه و عاطفه و خیال در زبانی آهنگین است و خیال عنصر اصلی شعر، در آن صورت به میزان اهمیت عنصر خیال در تصاویر شعری پی خواهیم برد.

### عناصر انتزاعی

منظور از مفاهیم انتزاعی، مفاهیمی است که قابل لمس نیستند و بیرون از ذهن تصویری برای آنان وجود ندارد. فخرالدین اسعد یکی از شاعرانی است که از این عناصر در اشعار خود استفاده کرده و

از آنجایی که خصیصه شعری او سادگی ابیات اوست، موفق شده امور انتزاعی را بسیار ساده تصویر سازی کند. «تصاویر شعری فخرالدین اسعد همچون شاعران نخستین سبک خراسانی مادی و حسی است و از جمله شاعرانی است که سعی در مادی کردن عناصر انتزاعی و تجریدی دارد. خصوصیت مادی بودن شعر او باعث زنده و ملموس شدن تصاویر شعری می‌شود و مضامین درونی و حالات پیچیده انتزاعی را به عینیت در می‌آورد.» (رضایی هفتادر، ۱۳۹۸: ۱۳۴) در قسمت عناصر سه منظومه اساس کار بر نظم الفبایی ابیات بوده و بر اساس آن عنصر مرتب شده‌اند.

### عناصر انتزاعی در ویس و رامین

در این بیت از ویس و رامین اندوه و امید عنصر انتزاعی هستند که به‌عنوان مشبّه‌به در یک جمله تشبیهی به کار رفته‌اند:

سیه چون **انده** و نازان **چو امید** فرو هشته چو پرده پیش خورشید

(گرگانی، ۱۳۷۷: ۸۴)

در این بیت عنصر انتزاعی به انسانی مانند شده‌است؛ پس در این بیت نیز استعارهٔ مکنیه داریم:

نهان از هر کسی مر دایه را **گفت** که **بخت** شور من با من برآشف

(همان: ۱۰۹)

استفاده از عنصر انتزاعی در جایگاه مشبّه‌به در یک جملهٔ تشبیهی:

شی تاریک همچون **جان مهجور** ز مشکین ابر او بارنده کافور

(همان: ۲۱۸)

همان‌طور که مشاهده شد فخرالدین اسعد در اشعار خود از عناصر انتزاعی که ملّ نظر ماست استفاده کرده‌است؛ اما او همه را فقط در یک عنصر خیال استفاده نکرده، بلکه در استعارهٔ مکنیه و تشبیه و در جایگاه مشبه و مشبّه‌به به کار برده و سعی کرده‌است این عناصر در شعر او یکسان به کار نرود و در هر دو عنصر خیال که در این مقاله ملّ نظر ماست، وجود داشته باشد. با تمام این تفاسیر بیشترین میزان تصاویر انتزاعی در قالب استعارهٔ مکنیه در شعر او دیده می‌شود.

### عناصر انتزاعی در خسرو و شیرین

در این بیت نظامی از عنصر انتزاعی برای استعارهٔ مکنیه استفاده کرده‌است:

خرد در جستش هشیار برخاست چو دانستش نمی‌داند چپ از راست

(نظامی، ۱۳۸۵: ۶)

در این بیت خجالت به انسانی مانند شده‌است و اینجا هم تشخیص داریم:

به تقصیری که از حد بیش کردم خجالت را شفیع خویش کردم

(همان: ۱۱)

استفاده از حیرت و عنایت هم در این بیت در جایگاه استعارهٔ مکنیه قرار گرفته‌اند:

ولی چون کرد حیرت تیز گامی عنایت بانگ بر زد کای نظامی

(همان: ۹)

هر چند که این امور در شعر فخرالدین اسعد وجود داشت، اما امور انتزاعی بیشتر در اشعار شاعران سبک عراقی بروز می‌کند که شعر از عالم حسی به عالم غیرحسی راه می‌یابد. از آنجایی که نظامی نیز یکی از شاعران این سبک به حساب می‌آید و از افتخارات نظامی به کار بردن اصطلاحات و اطلاعات و علوم و دانش زمان خود است و از آوردن آنها در اشعار به خود می‌بالد به همین طبع این نوع از تصاویر در اشعار او پخته‌تر شده و انسجام بیشتری می‌گیرد و از حالت سادگی به در می‌آید و هنگام خواندن ابیات او، تصاویر شاهکار او هوش از سر می‌برد و انسان را فریفتهٔ تصویر پردازی خود می‌کند. با توجه به ابیاتی که به‌عنوان نمونه از نظامی نقل شد متوجه شدیم که بیشترین کاربرد عنصر انتزاعی به‌صورت استعارهٔ مکنیه بوده و در قالب تشبیه کمتر این عنصر را می‌بینیم.

### عناصر انتزاعی در گل و نوروز

در این بیت عنصر انتزاعی به‌صورت استعارهٔ مکنیه به کار رفته‌است:

از او اقبال میمون شد رمیده بهار شادیش شد پشیمون

(کرمانی، ۱۳۷۰: ۱۶۲)

در این بیت عنصر انتزاعی علاوه بر اینکه به‌عنوان اضافه استعاره قابل بررسی است به صورت مشبّه‌به برای چشم گل هم استفاده شده‌است:

شهنشه حال خود را نیک بد دید      دو چشم گل چو چشم بخت خود دید  
(همان: ۲۶۲)

در این بیت نیز عنصر انتزاعی به‌صورت استعاره مکنیه به کار رفته‌است:

خُرد دلال بازار روانست      جواهر بخش کان کن فکانست  
(همان: ۲۵۱)

همان‌طور که مشخص است در تصاویر خواجو نیز با تصاویر زیبایی روبه‌رو هستیم؛ هرچند که خواجو نیز در سبک عراقی است و به پیروی از خسرو و شیرین، گل و نوروز را سروده‌است، اما تا حدودی از سادگی سبک خراسانی زبان او خالی نیست و تصاویر را پخته و در عین حال ساده بیان می‌کند. در اشعار خواجو از عنصر انتزاعی بیشتر به‌صورت اضافه استعاره و استعاره مکنیه آورده شده‌است و مقدار کمتری از ابیات به‌صورت تشبیه آمده‌اند.

با توجه به شاهد مثال‌هایی که در این قسمت ذکر شد و با توجه به تمام ابیاتی که عنصر انتزاعی در قالب یک تصویر در سه منظومه استفاده شده‌است، مشخص شد که هر سه شاعر از استعاره مکنیه به هر دو صورت آن یعنی به‌صورت تشخیص و اضافه استعاره بیشترین استفاده را کرده و سعی کرده‌اند مفاهیم انتزاعی را به این صورت در تصاویر شعری خود بگنجانند. البته در تشبیه نیز از مفاهیم انتزاعی در منظومه‌ها یافت شد که بیشتر به‌صورت مشبه در جمله تشبیهی آورده شده‌است و برای درک بهتر آن از مشبّه‌به حسی استفاده کرده‌اند.

### عناصر بزمی

از آنجایی که پادشاهان و درباریان باده نوشی و شاد خواری را یکی از لوازمات مجالس بزم خود می‌دانند و وصف باده و ساغر و زیبارویانی که در این مجالس هستند از جمله تصاویری است که در اشعار شاعران یافت می‌شود، در نتیجه با توجه به سه منظومه مورد بررسی که در گوشه‌هایی از

داستان با این نوع مجالس روبه‌رو هستیم، شاعران تمام تلاش خود را در آفریدن تصاویر زیبا به کار بسته‌اند.

در این قسمت تصاویری را تحت‌عنوان عنصر بزم در نظر گرفته‌ایم که به نوعی با شاه و زندگی شاهانه ارتباط دارند و در عالم درباری این کلمه‌ها بسیار استفاده می‌شود همچنین توصیف‌های مختلف از اندام زیبا رویان در این قسمت بررسی شده‌است.

### عناصر بزم در ویس و رامین

در این بیت عناصر بزم، باده و ریحان هستند که در اینجا به‌عنوان مشبّه‌به در جمله تشبیهی استفاده شده‌اند:

به چشم اندر چو باده روی دلبر      به مغز اندر چو ریحان بوی دلبر

(گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۵۳)

باغ و کاخ عناصر بزم در این بیت هستند که در جایگاه مشبّه‌به مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در اینجا ما دو عنصر انتزاعی را هم داریم که در جایگاه مشبه این اضافه تشبیهی استفاده شده‌است:

هم از باغ وفا رفته بهارش      هم از کاخ صفا رفته نگارش

(همان: ۹۲)

در این بیت عنصر بزم، تاج است که در این بیت هم در جایگاه مشبّه‌به قرار گرفته‌است:

چنان‌ت باد اورنگ کیانی      که تاج فخر بر کیوان رسانی

(همان: ۵۱)

در ویس و رامین، این نوع تصاویر بسیار ساده و خالی از خیال‌های دور از ذهن است و مخاطب به محض خواندن متوجه تصویرسازی‌های ساده شاعر اما در عین حال دلنشین می‌شود. در اکثر ابیات شاعر این سادگی تصاویر را نشان می‌دهد و از عناصر بزم بیشتر سعی دارد که در جایگاه مشبّه‌به استفاده کند؛ یعنی در تصاویر بزمی که از ویس و رامین استخراج شده، بیشترین میزان استفاده شعر از انواع عناصر خیال، تشبیه بوده‌است.



**عناصر بزم در خسرو و شیرین**

در این بیت بتخانه عنصر بزم و استعاره از منظومه خسرو و شیرین است. (استعاره مصرحه):

چو شد نقاش این بتخانه دستم جز آرایش بر او نقشی نبستم

(نظامی، ۱۳۸۵: ۳۱)

در این بیت تاج زرین استعاره از خورشید و عنصر بزم در این بیت است. (استعاره مصرحه):

چو روز از دامن شب سر برآورد زمانه تاج زرین بر سر آورد

(همان: ۵۹)

در بیت زیر نظامی با استفاده از دو اصطلاح بازی تخته و نرد که عناصر بزم هستند، دو استعاره زیبا ساخته است. تصویر اول استعاره از فلک و تصویر دوم استعاره از ماه و خورشید است که شاعر کلمات را در سایه خیال خود پنهان کرده است و مخاطب را به تلاش و انموده تا بتواند معنی و مفهوم را کشف کند (استعاره مصرحه):

به زیر تخته نرد آبنوسی نهان شد کعبتین سند روسی

(همان: ۵۶)

برخلاف گرگانی، تصویرسازی در نظامی زیباتر و جذاب‌تر است و ذهن خواننده را درگیر می‌کند. زبان شعر نظامی به علت توجه زیاد به صنایع ادبی، نیروی خیال قوی، قدرت وصف و دقت نظر، مهارت در انتخاب واژگان و ابداع ترکیب‌های تازه از ارزش هنری بالایی برخوردار است. (ر.ک: ایزدیار و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۵) همان‌طور که می‌دانیم بسامد استعاره در خسرو و شیرین نظامی بیشتر از تشبیه است و در این نمونه از ابیات هم که نقل شد عناصر بزم بیشتر به صورت استعاره مصرحه مورد استفاده قرار گرفته بودند.

**عناصر بزم در گل و نوروژ**

در این بیت عنصر بزم تخت است که در جایگاه مشبّه‌به در بیت حاضر شده، همچنین بختیاری که عنصر انتزاعی است به عنوان مشبه آمده است:

بسه شادی داده نام غمگساری

به مقبل داده تخت بختیاری

(کرمانی، ۱۳۷۰: ۵)

در این بیت جام عنصر بزمی و در جایگاه مشبه‌به و جلال عنصر انتزاعی و در جایگاه مشبه وجود دارد:

جم از جام جلالش گشته سرمست یسم از فیض نوالش رفته از دست

(همان: ۷)

زرین قلدح که عنصر بزمی ماست در این بیت استعاره از گل نرگس سپید و زرد است. (استعاره مصرحه):

کند روشن به نرگس چشم مستان نهد زرین قلدح در صحن بستان

(همان: ۴)

در اشعار خواجه نیز علی‌رغم سادگی بیان، موفق به خلق تصاویری گشته که در نوع خود زیباست. در اشعاری که در این قسمت به‌عنوان نمونه آوردیم مشخص شد که خواجه برای عناصر بزم هم از استعاره و هم تشبیه استفاده کرده‌است.

بعد از بررسی عناصر بزم در سه منظومه مشخص شد که بسامد تشبیه در ویس و رامین بیشتر از استعاره در این منظومه است و فخرالدین اسعد سعی کرده‌است زبان ساده خود را در تصاویر تشبیهی زیبا بیاورد و بیشتر از عناصر بزم به‌عنوان مشبه‌به در جمله تشبیهی استفاده کرده‌است. در خسرو شیرین بر خلاف ویس و رامین، بیشترین میزان عنصر خیال در ساخت تصاویر شعری از آن استعاره است؛ نظامی با زبان و بیان فوق‌العاده خود سعی دارد تصاویر زیباتری را در منظومه خود به‌جای بگذارد. در گل و نوروز نیز میزان استعاره مصرحه بیشتر از تشبیه است؛ اما زبان خواجه نسبت به نظامی ساده‌تر است؛ بنابراین ما شاهد نمونه‌مثالی هستیم که به‌عنوان مشبه‌به در جمله‌های تشبیهی ذکر شده‌است. در ویس و رامین بیشتر تشبیه مجمل و در خسرو و شیرین و گل و نوروز بیشتر تشبیه بلیغ وجود دارد.

## عناصر طبیعت

طبیعت و گرایش به نباتات از دیرباز در فرهنگ ایران زمین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌است. این گرایش در انواع مختلف ادبی از جمله غنایی، تعلیمی، عرفانی و..... به‌عنوان یکی از شاخه‌های بارز این فرهنگ به خوبی مشهود است؛ به‌طوری‌که حتی می‌توان مدعا بود که طبیعت‌گرایی یکی از بن‌مایه‌های اصلی و شاخص در زمینه‌های مختلف ادبیات کهن فارسی است؛ از این‌رو گیاهان و به‌ویژه گل‌ها و درختان، نخستین مظاهر طبیعت در ذهن آدمی محسوب می‌شوند. از این جهت در تمامی ادوار شعر فارسی این نمونه‌های نخستین جهان طبیعت در قلم شاعران هنرمند برای تصویرگری به کار رفته‌اند.

استفاده شاعران از دو عنصر خیال یعنی تشبیه و استعاره در رویارویی با طبیعت پیرامون خود و نگاه خاص و متفاوتی که دارند باعث شده‌است تصویرسازی‌های زیبایی خلق کنند. تخیل و نحوه بیان هنری آن پیوندی ناگسستنی با هم دارند. همان‌طور که طرح و رنگ ماده اصلی در کشیدن نقاشی به شمار می‌رود، زبان نیز وسیله بروز این نیروی انسان در قالب واژگان و ادبیات است و تشبیه و استعاره به‌عنوان عناصر خیال این امر را به خوبی انجام می‌دهند. شاعران شعر غنایی که اشعار خود را در قالب داستانی ذکر کرده‌اند از تشبیهات به‌صورت ساده و قابل درک و حس استفاده کرده‌اند. آنها به پدیده‌ها نگاه حسی دارند. «خصوصاً در مواقعی که محیط طبیعی شباهت تام و تمامی با حالات و وضعیت روح و ذهن فرد پیدا می‌کند.» (فورست، ۱۳۷۵: ۵۳)

پیدا کردن توصیفات مربوط به طبیعت در آثار شاعران باعث می‌شود که: «از تحقیق در این زمینه آشنایی با آن "سنن کلامی و فکری" حاصل شود که بذر گسترش و پرورش مضامین را در دوره‌های بعدی در بردارند و این خود به درک ارزش و اهمیت شعر غنایی فارسی کمک می‌کند.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۵: ۱۱۸)

طبعاً بیشترین حجم تصاویر این سه شاعر نیز به توصیفات از طبیعت و خلق تصاویری که مشبه و یا مشبه‌به‌هایی از جنس طبیعت دارند را شامل می‌شوند.

### عناصر طبیعت در ویس و رامین

آب در این بیت عنصری است که از طبیعت انتخاب شده و به‌عنوان مشبّه‌ای برای صبر به کار رفته‌است:

به آب صابری دل را بشستم      به کام خویش جفت نیک جستم  
(گرگانی، ۱۳۷۷: ۳۳۷)

آتش در این بیت عنصر طبیعت است و به‌عنوان مشبّه‌ای آمده‌است:

فرو کشتم به دل در آتش آز      نهادم سر به بخت خویشان باز  
(گرگانی، ۱۳۷۷: ۳۶۹)

ابر و کوه و سیل همه از عناصری هستند که در طبیعت وجود دارند و در این بیت به‌عنوان مشبّه‌ای عنصر انتزاعی استفاده شده‌است:

ز ابر غم جهان شد برق آزار      ز کوه کین درآمد سیل تیمار  
(همان: ۲۵۹)

در عنصر طبیعت در ویس و رامین بیشترین بسامد در اختیار تشبیه است و فخرالدین اسعد به خوبی در اشعار خود از آن استفاده کرده‌است.

### عناصر طبیعت در خسرو و شیرین

آب و نرگس عناصر طبیعت در این بیت هستند. آب به‌عنوان مشبّه‌ای استفاده شده و نرگس استعاره از چشم است:

ز بس خون کز تن شه رفت چون آب      درآمد نرگس شیرین ز خوشخواب  
(نظامی، ۱۳۸۵: ۳۵۹)

گل و باغ عناصر طبیعت هستند. گل مشبّه‌ای برای نظامی است و باغ استعاره از شناخت خداوند:

چو گل صد پاره کن خود را درین باغ      که نتوان تندرست آمد بدین باغ  
(همان: ۶)

## تخم عنصر طبیعت و مشبه‌به عنصر انتزاعی

دلش تخم هوس فرمود کشتن جواب نامه خسرو نوشتن

(همان: ۲۱۲)

همان‌طور که شیوه نظامی پرداختن به استعاره است، لذا در مورد عناصر طبیعت این عنصر خیال بیشتر نمود دارد.

## عناصر طبیعت در گل و نوروژ

آتش در این بیت عنصر طبیعت و مشبه‌به‌ای برای دل در نظر گرفته شده‌است:

دلش در بر به جوش آمد ز سودا فتادش آتش دل در سویدا

(کرمانی، ۱۳۷۷: ۶۴)

برگ از عناصر طبیعت است که به عنوان مشبه‌به عنصر انتزاعی صبوری مورد استفاده قرار گرفته‌است:

ز طاقت طاق گشت از درد دوری نماندش بیش از آن برگ صبوری

(همان: ۴۷)

بحر و کوه هر دو عناصر طبیعت هستند و به عنوان مشبه‌به برای دو عنصر انتزاعی فتنه و غم استفاده شده‌اند:

ز بحر فتنه سر بـرزـد نهنـگی ز کوه غم فرود آمد پلنگی

(همان: ۵۵)

در گل و نوروژ از عناصر طبیعت هم در تشبیه و هم در استعاره استفاده شده‌است. در منظومه ویس و رامین بیشترین میزان عنصر خیال در استفاده از طبیعت را انواع تشبیه به خود اختصاص داده‌است. در این منظومه فخرالدین از استعاره مصرحه هم استفاده کرده اما بسامد آن به اندازه تشبیه نیست. اما نظامی شاعر سبک آذربایجانی است. از آنجایی که دوره این سبک، دوره نفوذ طبیعت و محسوسات در شعر است، لاجرم شاعران در پی یافتن پیوندهای تازه بین

طبیعت و اشعارشان هستند؛ لذا تصاویر شعری متفاوت در شعر به وجود می‌آید و بسامد استعاره مصرحه در خسرو و شیرین بیشتر است. در گل و نوروز نیز شاهد استعاره و انواع تشبیه بودیم.

### عناصر نجوم

آسمان یا فلک که در برگیرنده ستارگان و منظومه‌های فلکی است، در باور قدما اولین مخلوق دانسته شده است. «در مزدیسنا و روایات اساطیری کهن، آسمان نخستین مخلوق مرئی و گیتیایی اهورا مزدا است.» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۴) و صورفلکی آن، همیشه الهام بخش شاعران در تصویرپردازی بوده است و اغلب دیوان‌ها از این تصاویر سرشار است. آسمان، خورشید، ماه، روز و شب در صدر این تصویرسازی‌ها قرار دارند. شناخت خورشید و ماه همواره و از قدیم مورد توجه بوده است. در اعتقاد قدما، خورشید و ماه در هر غروب به چاهی در مغرب فرو می‌روند و از سوی دیگر از چشمه‌ای در مشرق بیرون می‌آیند. «ملل سامی و از آن جمله اعراب معتقد بودند که آفتاب به هنگام غروب در چشمه گرمی ناپدید می‌شود و از چشمه حیوان در ظلمات که آن را چاه ظلمات و چاه مغرب هم گفته اند، هر بامداد بیرون می‌آید.» (مصفا، ۱۳۸۱: ۲۵۳) با توجه به این نکته و این میزان از علاقه در آثار شاعران شاهد تصویرسازی‌های زیبا هستیم. در هر سه منظومه، بیشتر از ماه و خورشید و ستاره برای تشبیه معشوق و زیبایی‌های آن استفاده شده است، تصویرسازی با صور فلکی و تشبیه قرار دادن آنها باعث شده که شاعران سعی کرده‌اند به توصیفات متعدد بپردازند و از این عناصر در جاهای مختلف استفاده کنند: «شاعر شیء را به اوصاف پیاپی توصیف می‌کند و نزد شنونده تصویری شکل می‌گیرد که از کلام شاعرانه الهام گرفته و زمان هم در شکل‌گیری آن نقش دارد. برای اینکه خیال الهام‌بخش تصویر شود، گریزی از پیاپی آوردن اوصاف نیست.» (کفافی، ۱۳۸۲: ۲۹)

هرچند عناصری که در این قسمت با نام عناصر نجوم جدا شده است، جزئی از طبیعت محسوب می‌شوند، اما به دلیل بسامد بالای آن در اشعار شاعران به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

### عناصر نجوم در ویس و رامین

در این بیت آفتاب عنصر نجوم است که در مصرع اول آمده و ابستعاره از پیامبر(ص) می‌باشد:

برآمد آفتاب راست گویان

خجسته رهنمای راه جویان

(گرگانی، ۱۳۷۷: ۷)

بهرام یا مریخ نام یکی از ستاره‌های فلکی در فلک پنجم است که به منحوسی و جنگجو بودن شهرت دارد. کیوان یا زحل یکی از ستاره‌های فلکی در فلک هفتم قرار دارد و او را نحس اکبر هم می‌نامند. در این بیت بهرام و کیوان عناصر نجوم هستند و به‌عنوان مشبّه‌به استفاده شده‌اند:

چو بهرام ستمگر چشم جادوش

چو کیوان بد آیین زلف هندوش

(همان: ۹۹)

زهره یا ناهید ستاره‌ای است که در فلک سوم قرار دارد و در اینجا عنصر نجوم است و به‌عنوان مشبّه‌به آمده‌است:

چو ابر تیره زلف تابدارش      به ابر اندر چو زهره گوشوارش

(همان: ۴۲)

اکثر عناصر نجوم در جمله‌های تشبیهی آمده و در ویس و رامین خود را نشان داده‌است.

### عناصر نجوم در خسرو و شیرین

اختر و ماه عناصر نجوم هستند که اختران استعاره از زیارویان و زیردستان و ماه استعاره از شیرین است:

بفرمود اختران را ماه تابان

کز آن منزل شوند آن شب شتابان

(نظامی، ۱۳۸۵: ۶۲)

خورشید عنصر نجوم در این بیت و مشبه‌به‌ای برای رخسار است:

به خواهش گفت کان خورشید رخسار بگو تا چون به دست آمد دگر بار

(همان: ۸۸)

عطارد ستاره‌ای است در فلک دوم که به آن دبیر فلک هم می‌گویند. در این بیت عطارد و ماه عناصر نجوم هستند که استعاره از نظامی و شاه هستند:

مرا در بزمگاه شاه بردند عطارد را به برج ماه بردند

(همان: ۳۷۸)

عنصر نجوم در خسرو و شیرین بیشتر به صورت استعاره مورد استفاده قرار گرفته است.

### عناصر نجوم در گل و نوروژ

خورشید در این بیت عنصر نجوم است که به عنوان مشبه‌به استفاده شده است:

درون پرده‌اش دختی چو خورشید رخسار خندیده بر گلزار جمشید

(کرمانی، ۱۳۷۰: ۱۳۱)

زحل یا کیوان و ماه عناصر نجوم در این بیت هستند که به صورت استعاره مکینه در بیت

آمده‌اند:

زحل چوبک زن هندوی بامش قمر زین سمند تیز گامش

(همان: ۱۰)

زهره عنصر نجوم و استعاره مکینه در این بیت ایجاد کرده است:

دل زهره ز عود افتاده در جوش ز مستی مـاه عودی رفته از هوش

(همان: ۲۳۳)

در گل و نوروژ عناصر نجوم بیشتر به عنوان استعاره مکینه مورد توجه بوده است.

از آنجایی که در سبک عراقی دانش نجوم نیز چون دانش‌های دیگر پرکاربرد است، به طبع

نظامی و خواجو در اشعار خود بیشتر از این مورد بهره برده‌اند و حتی تشبیهات خود را با توجه



به این دانش ساخته‌اند: مانند اشاره به صور فلکی، اشاره به خوشه پروین و... اما فخرالدین نیز یکی از شاعرانی است که از این علم آگاهی داشته‌است: «فخرالدین اسعد گرگانی از جمله ادیبانی است که در زمینه نجوم اطلاعاتی کافی داشته و از دانش خود برای تصویرسازی‌های بدیع در ویس و رامین استفاده کرده‌است» (رضایی هفتادر و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۴) از آنجایی که داستان ویس و رامین یک داستان عاشقانه مربوط به دوره اشکانیان و پیش از اسلام است به همین دلیل از اشارات اسطوره‌ای و آداب و سنن زرتشتی خالی نیست و یکی از زمینه‌های اسطوره‌ای به کار رفته در این داستان استفاده از عنصر ماه برای وصف زیبارویان است. (ر.ک: نظری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۸) در کل در ویس و رامین بیشترین عنصر خیال که منجر به ساخت تصاویر نجوم شده، به صورت تشبیه مجمل نمود یافته‌است. در خسرو و شیرین این بسامد به استعاره مصرحه و در گل و نوروژ به استعاره مکنیه تعلق دارد.

در بررسی این سه منظومه سعی شد که تمام ابیات از نظر استعاره مصرحه و استعاره مکنیه و انواع تشبیه مورد استفاده قرار گیرد و مشخص شد که هر عنصر خیالی در ساختن کدام تصویر به کمک شاعر آمده‌است که در ادامه این جدول‌ها به ترتیب سه منظومه خواهد آمد.

جدول تصاویر خیالی ویس و رامین

استعاره مصرحه	استعاره مکنیه	تشبیه بلیغ	تشبیه تفصیل	تشبیه جمع	تشبیه حروف	تشبیه خیالی	تشبیه مجمل	تشبیه مرکب	تشبیه مضمّر	تشبیه مفروق	تشبیه مفعّل	تشبیه ملفوف
عنصر انتزاعی												
عنصر بزمی												
ع												
عنصر طبیعت												
عنصر نجوم												

جدول تصاویر خیالی در خسرو و شیرین

تشبیه ملغوف	تشبیه مفصل	تشبیه مفروق	تشبیه مضمر	تشبیه مركب	تشبیه مجمل	تشبیه خیالی	تشبیه حروف	تشبیه جمع	تشبیه تفضیل	تشبیه بلیغ	استعاره مکنیه	استعاره مصرحه	
													عنصر انتزاعی
													عنصر بزمی
													ع
													عنصر طبیعت
													عنصر نجوم

جدول تصاویر خیالی در گل و نوروژ

تشبیه ملغوف	تشبیه مفصل	تشبیه مفروق	تشبیه مضمر	تشبیه مركب	تشبیه مجمل	تشبیه خیالی	تشبیه حروف	تشبیه جمع	تشبیه تفضیل	تشبیه بلیغ	استعاره مکنیه م	استعاره مصرحه	
													عنصر انتزاعی
													عنصر بزمی
													ع
													عنصر طبیعت
													عنصر نجوم

نتیجه

یکی از گونه‌های مهم در ادبیات غنایی داستان‌های عاشقانه است. این گونه همواره در ادبیات فارسی پیش و پس از اسلام رایج بوده است. انگیزه اصلی به وجود آمدن آن، انگیزه دوست داشتن و عشق است. در این داستان‌ها عشق باعث حرکت داستان می‌شود. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های زبان غنایی در داستان‌های عاشقانه استفاده از تشبیه و استعاره در تصویرسازی‌های زیبای شاعران است. تصویر در شعر به مانند آینه‌ای است که حالات شاعر را در پرده هنر به ذهن مخاطب منتقل

می‌سازد. برای درک حالات و روحیات شاعر باید تصاویر او را جست و از خلال آن به زوایای اندیشه او پی برد.

فخرالدین اسعد گرگانی، نظامی گنجوی و خواجهی کرمانی که هر سه در آفرینش تصاویر مربوط به شعر از موفق‌ترین شاعران فارسی زبان هستند به ترتیب از هم تقلید کرده‌اند؛ به این صورت که نظامی به فخرالدین اسعد نظر داشته و خواجه در سرودن گل و نوروز خود از نظامی تقلید کرده‌است.

تصاویر شعری در این سه منظومه با توجه به دو عنصر خیال دارای شباهت و تفاوت‌هایی می‌باشد. میزان عناصر خیال در سه منظومه بسیار متنوع و گوناگون است به گونه‌ای که هر سه شاعر به خلق تصاویر در شکل‌های تشبیه و استعاره کوشیده‌اند. تنوع تصاویر کاملاً آشکار است؛ با این حال از این سه منظومه، خسرو و شیرین دارای بیشترین تنوع در تصاویر است.

مقایسه تصاویر در ویس و رامین، خسرو و شیرین و گل و نوروز:

۱. تصاویری که فخرالدین اسعد خلق کرده در عین سادگی و روانی، به سادگی قابل دریافت است؛ اما تصاویر نظامی غالباً با پیچیدگی همراه است و اغلب خواننده را به تنگنا می‌اندازد. در مقابل خواجه در منظومه خود همواره بدون تکلف به خلق تصاویر پرداخته و دریافت مخاطب از سروده‌های او معمولاً آسان و بدون دشواری است و این ویژگی خواجه تا حدودی به مانند فخرالدین اسعد است. علت این تفاوت‌ها را می‌توان در ویژگی‌های سبکی و دوره‌ای جست‌وجو کرد. چرا که فخرالدین اسعد پایبند به سادگی سبک خراسانی، نظامی مقید به دشواری‌های معمول سبک آذربایجانی و خواجه با پرهیز از تکلفات سبک عراقی تا حدودی زبان او مانند زبان سبک خراسانی است.

۲. آنچه در سروده‌های این شاعران، تحت عنوان تصاویر شعری شناخته می‌شود، علاوه بر تأثیرپذیری از روح شاعر، تحت تأثیر شیوه زندگی و متأثر از محیطی است که شاعر در آن پرورش یافته‌است. از آنجا که برای سرودن منظومه‌های عاشقانه‌ای که در فضای دربار اتفاق افتاده‌است، زیستن در چنان شرایطی و آشنایی با آداب و رسوم آن کارگشا به نظر می‌رسد، در این

چند منظومه هم این فضا به خوبی حفظ شده است؛ یعنی سروده‌ها و تصاویر خلق شده در شعر با فضای داستان یگانه شده است و شاعر محیط شعرش را به مقتضای فضا و حالت حاکم بر شعر آراسته است. همچنین به تناسب تصویر و موقعیت شعر بسیار اهمیت داده‌اند؛ یعنی هر جا سخن از بزم و شادی بوده است در توصیف و تصویرگری بیشترین دقت را داشته‌اند تا بین تصویر و موضوع شعر یگانگی وجود داشته باشد.

۳. هر سه شاعر در خلق تصاویر شعری از چهار عنصر مختلف بهره برده‌اند. در سروده‌های فخرالدین اسعد تصاویر با بهره‌گیری از صورخیال به خوبی ترسیم شده‌اند. او در خلق تصاویر شعری در ویس رامین به کمک عنصر تشبیه توانسته است زیبایی منظومه خود را نشان دهد و از میان تصاویر شعری او بیشترین تصویرسازی را با عنصر طبیعت انجام داده و کمترین میزان تصویرپردازی در شعر او با عناصر انتزاعی است. همچنین استعاره در ویس و رامین بسامد کمتری نسبت به تشبیه دارد.

۴. نظامی در خلق تصاویر شعری خود بیشتر به استعاره توجه کرده است و استعاره مصرحه بیش از استعاره مکنیه در خسرو و شیرین وجود دارد. نظامی نیز به مانند فخرالدین اسعد در انتخاب تصاویر شعری خود بیشترین بسامد را در عنصر طبیعت و کمترین را در عنصر انتزاعی دارد. در خسرو و شیرین تصویرهایی وجود دارد که برگرفته از ویس و رامین است؛ اما نظامی با استادی تمام و بیان خاص خود آن تصاویر را زیبا جلوه می‌دهد تا مخاطب به تقلید او پی نبرد.

۵. خواجه کرمانی نیز در گل و نوروز دارای تصاویر متنوعی است که اکثر آنها را از دوره‌های قبل از خود به‌خصوص نظامی اخذ کرده است و این تصاویر کاملاً در گل و نوروز آشکار است و خواجه به مانند نظامی نتوانسته این تقلید را به خوبی مخفی کند. همچنین به مانند دو شاعر دیگر بسامد استفاده از عناصر طبیعت در شعر او بالا است و کمترین عنصر نیز به عنصر انتزاعی تعلق دارد. او در استفاده کلی از صور خیال نوآوری خاصی ندارد و همان شیوه‌های دوره‌های قبل از خود را دارد؛ اما می‌توان بعضی از تصویرهای تشبیهی او را مخصوص به خود او دانست که خاص ذوق اوست. استعاره نیز به علت قرار داشتن خواجه در دوران سبک عراقی

بسامد بالایی دارد. اما در کل در زمینه صورخیال از نظامی تأثیر زیادی دارد. در کل می‌توان این چنین استنباط کرد که هر سه منظومه با توجه به اینکه موضوع یکسانی دارند و صاحبان هر هرکدام در دوره سبکی متفاوتی زیسته‌اند، اما در خلق تصاویر در رابطه با با قهرمانان هر اثر یکسان عمل کرده‌اند. و در توصیف زیبارویان و دلیری جنگاوران و یا شخصیت های منفی داستان، تقریباً یکسان عمل کرده و با کمک گرفتن از زبان تشبیه و استعاره مفاهیم خود را منتقل کرده‌اند. اکثر تصاویری که ساخته‌اند همان تصاویر تکراری مرسوم است که برای اندام و قد و چهره و شجاعت و... به کار می‌رود. فخرالدین اسعد و خواجه بیشتر از نظر ساده بودن زبان به هم شباهت دارند. اما نظامی به دلیل استفاده زیاد از استعاره مخصوصاً در توصیفات مربوط به طلوع و غروب خورشید و به دلیل تصاویر بدیع‌تری که خلق کرده زبان پیچیده‌تری در خسرو و شیرین به جای گذاشته و خواننده باید برای درک شعر او استعاره را درک کند و بعد بتواند معنی را دریابد. به طور کلی اگر بخواهیم از نظر تصاویر خیالی این سه منظومه را مقایسه کنیم، ویس و رامین و گل و نوروز به مانند یک تابلوی نقاشی و خسرو و شیرین به مانند یک کار مینیاتوری است و هنر نظامی در این اثر به خوبی نمایان است.

### کتابنامه

#### الف) کتاب‌ها:

احمد سلطانی، منیره، قصیده فنی و تصویرآفرینی خاقانی شروانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۰.

اسعد گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، مقدمه و تصحیح محمد روشن، تهران: چاپخانه مهارت، چاپ اول، ۱۳۷۷.

پارساپور، زهرا، مقایسه زبان حماسی و غنایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.

حسن لی، کاووس، گونه‌های نو آوری در شعر معاصر ایران، تهران: نشر ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه گسترش زبان و ادبیات فارسی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

خواجهی کرمانی، کمال‌الدین، گل و نوروز، به اهتمام و کوشش کمال کرمانی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

فتوحی رود مجنون، محمود، بلاغت تصویر، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۶.

فرای، نورتروپ، تخیل فرهیخته، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۳.

فرشید ورد، خسرو، درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

فورست، لیلیان، رمانتیسیم، ترجمه مسعود جعفری، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۵.

کفافی، محمد عبدالسلام، ادبیات تطبیقی، پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر روایی، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

مصفا، ابوالفضل، فرهنگ اصطلاحات نجومی، تبریز: انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

نظامی، الیاس بن یوسف، کلیات نظامی گنجوی، مقدمه و نصیح وحید دستگردی، تهران: چاپ گیتی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

یاحقی، محمد جعفر، فرهنگ اساطیر و داستانواره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۶.

#### ب) مقالات:

ایزدیار، محسن؛ عبدی، سید محمد؛ قاسمی، سعید. «بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره در پنج گنج نظامی گنجوی»، فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۹، شماره ۳۵، ۱۳۹۷، صص ۱۹۳-۱۷۳.

رضایی هفتاد، علی محمد؛ نیک خواه، مظاهر؛ خسروی، حسین. «تصویر آفرینی با اصطلاحات نجومی و صور فلکی در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی»، فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۹، شماره ۳۵، ۱۳۹۷، صص ۱۴۶-۱۲۱.

رضایی هفتاد، علی محمد، «بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی»، فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۱۰، شماره ۴۱، ۱۳۹۸، صص ۱۵۱-۱۲۹.

سمیعی گیلانی، احمد، «وصف طبیعت در شعر غنایی قرن‌های چهارم و پنجم هجری»، نامه فرهنگستان، شماره ۸، ۱۳۷۵، صص ۱۱۸-۱۳۹.

نظری، معصومه؛ کوشان، ایوب؛ مسرت، مهین، «بررسی ارتباط ماه و زن از منظر اساطیری در ویس و رامین»، نشریه پژوهشنامه ادب غنایی (زبان و ادبیات فارسی) دوره ۱۸، شماره ۱، ۱۳۹۹، صص ۲۲۷-۲۴۶.

## Imaginary images in lyrical literature

Bayan Forough Kermanshahi<sup>1</sup>, Mohammad Reza Qari Ph.D<sup>2\*</sup>  
Majid Azizi Ph.D<sup>3</sup>

### abstract

Imagery is one of the prominent elements and components in the field of aesthetics of literary works. The aim of the research is to discuss images in lyrical literature, based on which three poems were studied and imaginary elements were extracted and then classified and compared into four image elements. These four elements are: abstract element, elemental element, element of nature and astronomy. Exploring the imagination of each poet helps the audience to better understand his view of his surroundings and to be able to connect with his poetry. One of the remarkable topics in lyrical literature is the topic of love, which in every period the poet tries to portray this topic in his poetry in accordance with his words and the relationship between the lover and the beloved and their connection and separation according to the circumstances. In this article, each of the poets in the field of imagery in all three poems has assigned the highest amount to the element of nature, which in Weiss and Ramin is more than similes, in Khosrow and Shirin the metaphor of Masrah and in Gol and Nowruz. We had both elements of fantasy. Also, all three poets have used the least abstract elements, which was in the form of a metaphor. In terms of the use of abstract elements, the three poets have tried to sensitize mental matters and give them life. Weiss and Ramin, as the first poem, has been a model for other poems.

**Keywords:** Lyrical literature, imagery, Weiss and Ramin, Khosrow and Shirin, Gol and Nowruz.

---

1. PhD student of Persian language and literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Email: b\_foroughkermanshahi@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. (Author)

Email: mr-ghari@iau-arak.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Email: azizi-m@yahoo.com